

نوشتن برای فراموشی

منبع: روزنامه شرق، صفحه آخر، روز یکشنبه، مورخ: ۹۲/۹/۱۰

«زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت از یاد من و تو برود». ما درگیر زندگی روزمره ایم و روزها و شبها را با شتاب از پی یکدیگر دوره می‌کنیم. اشتغالات عدیده روزانه غبار عادت را روی صفحه دل می‌نشانند و عموم انسانها را از آشنایی زدایی کردن و نگرستن دوباره در آنچه پیرامون شان می‌گذرد، باز می‌دارد. نوشتن مجاللی است برای گسستن و رها شدن از آنچه در اطراف می‌گذرد و سفر به سرزمین درون و در برابر خود نشستن و خلاف آمد عادت عمل کردن و نتیجه سیر انفس را با دیگران در میان گذاشتن. بی‌جهت نبود که مرحوم شریعتی می‌گفت: «نوشتن برای فراموش کردن است نه به خاطر آوردن». هنگام نوشتن، نویسنده کثیری از امور را فراموش می‌کند و فارغدلانه نظاره گر همکاری دل انگیز میان ذهن و قلم خویشاست و از تماشای این منظره لذت می‌برد. تنها کسانی که با نوشتن مأنوسند و در خلوت و سکوت، بارها تجربه نوشتن داشته، این لذت عمیق وجودی را چشیده‌اند. یادم هست ایامی که دانشجوی رشته داروسازی بودم و هنوز مشق فلسفی و روشنفکری نمی‌نوشتم، دفترچه خاطراتی داشتم و در آن احوال و دغدغه‌های شخصی را می‌نوشتم و اتفاقاتی را که حول و حوشم رخ می‌داد، به رشته تحریر در می‌آوردم؛ در آن سالها چهار دفتر صد برگ سیاه کردم. سالها بعد، وقتی آن نوشته‌ها را دوباره می‌خواندم، آمیزه‌ای از حسرت و وجدی عمیق مرا فرا گرفته بود. حسرت به سبب روزگار سپری شده که با همه افت و خیزها و تلاطم‌ها و تلخی و شیرینی‌هایش، آنرا دوست داشتم؛ فراغت‌ها و آسودگی‌های خاطر دوران دانشجویی که دیگر هیچوقت تکرار نمی‌شود؛ دورانی که به تعبیر نیکوی شریعتی، انسان از «نعمت محرومیت» برخوردار است. همچنین، خرسند شدم از این بابت که توانستم ایده‌ها و دغدغه‌های آن ایام خود را که غبار سنگینی از زمان بر روی آنها نشسته بود، به روشنی فرا یاد آورم و دقایق و ساعاتی سوار بر بال خاطرات شوم و به سرزمین‌های دوردست سفر کنم و در فضای آن دوران نفس بکشم و تلاش کنم از آن منظر دنیا را ببینم. نگاشتن و مکتوب کردن ایده‌ها و احوال خود، این فرصت را به مخاطبان می‌دهد تا با دغدغه‌ها و ایده‌های نویسنده به خوبی آشنا شوند و به نحوی در تجارب وجودی نگارنده مشارکت کنند. شخصا از خواندن برخی رمان‌ها، خاطرات و «گفتگوهای تنهایی» نویسندگان، به وجد می‌آیم و دست و پایم را گم می‌کنم و آنقدر حظ هنری و معرفتی می‌برم که به قول سعدی: «آن کند که ناید از صد خم شراب».

به پیشنهاد دوستان عزیز در روزنامه شرق، بناست هر دو هفته یکبار ایده‌ها و دغدغه‌های خود را قلمی کنم و در ستون "روی آگاهی آب" پیش چشم مخاطبان عزیز قرار دهم. امیدوارم اگر این نوشته‌ها خاطر خوانندگان را خرم نمی‌کند، دست کم اسباب ملالت ایشان را فراهم نیاورد.